ادامه از صفحه ۹

حال و روز آنهایی که از همه می‌نویسند جز خودشان

در کنار این، ما شغل سختی داریم با درآمد خوب که ما را ساپورت خواهد کرد اما از این هم خبرنگارها محروم هستند، بنابراین باید برای خبرنگارها برنامه‌ای داشته باشیم تا میزان تاب‌آوری آنها افزایش پیدا کند ولی متأسفانه در هیچ رسانه‌ای چنین برنامه‌هایی را ندیدیم، همچنین انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به عنوان یک نهاد صنفی باید مسئولیت همه خبرنگاران کشور را بر عهده گیرد و به مسائل ذکرشده از بعد سلامت روان توجه داشته باشد.

اجبار بر روابط عمومی شدن رسانه عامل تنزل آن است

اکبر منتجبی، کارشناس رسانه و روزنامه‌نگار باسابقه در جواب سؤالی مبنی بر افزایش ترک خبرنگارها از عرصه رسانه، می‌گوید: به نظر وضعیت مالی خبرنگارها در این موضوع بسیار اهمیت دارد و موضوع افزایش اخبار منفی هم از اهمیت کمتری برخوردار است چون معمولا ذات خبر بر اخبار تلخ بوده. در عصری زندگی می‌کنیم که رسانه نفوذ و سیطره وصف‌ناپذیری دارد، از مردم جامعه تا خبرنگار همه صبح که بیدار می‌شوند اول اخبار را بررسی می‌کنند تا از آخرین وقایع مطلع شوند.وی ادامه می‌دهد: وقتی خبرنگارها به سراغ شغل‌های دیگر می‌روند که امنیت شغلی بیشتر است یا به ناچار تغییر شغل می‌دهند، به این دلیل است که دولت‌ها نگذاشتند نهاد مطبوعاتی بزرگی تأسیس شود. منتجبی در پاسخ به سؤالی در مورد تأثیر اجبار خبرنگار بر سخنگوی روابط عمومی ارگان و سازمان‌ها، اضافه می‌کند: این موضوع اغلب ریشه مالی دارد که رسانه موظف است در ماه ۱۰۰ تا ۲۰۰ خبر از یک ارگان یا شرکت منتشر کند که این ضعف بزرگ رسانه است. این کار دیگر خبرنگاری و روزنامه‌نگاری نیست، در واقع این کار یک نوع رپرتاژ آگهی است که آقایان آمدند و انجام می‌دهند که ضربه مستقیم بر رسانه و ذوق و شوق کار رسانه می‌زند. به یاد دارم در یک رسانه‌ای سال‌ها پیش فعال بودم که مسئول رسانه با سازمان محیط زیست قراردادی بسته بود و یک خبرنگار هم برای آن در نظر گرفته بود، طبیعتا هر خبری هم از این کانال منتشر می‌کردند؛ این اصلا کار خبرنگاری و روزنامه‌نگاری نیست بلکه رپرتاژ آگهی است، الان هم خیلی زیاد شده، ما قبلا به اینها می‌گفتیم پوشال لای آگهی، یعنی آن‌قدر مطالب خوب کم می‌شود که متأسفانه پوشال زیاد می‌شود. وی می‌گوید: این مسائل به رسانه آسیب می‌زند و آن را از اعتبار خارج می‌کند، در این صورت می‌بینید، مثلا سازمان محیط زیست، شرکت ملی نفت و ارگان دیگری یک خطایی مرتکب شده و این خطا در رسانه دیده نمی‌شود چون آن رسانه‌هایی که به نوعی روابط عمومی آن مجموعه هستند در تلاش برای توجیه آن اشتباه برمی‌آیند، بنابراین رسانه در نظر خواننده به شدت غیرقابل اعتماد می‌شود. در واقع یکی از دلایل تنزل صداوسیما همین است که سازمان وسیله توجیه‌کننده یک جناح خاص یا دولت می‌شود، به همین دلیل اعتبار مؤثرش کاهش پیدا می‌کند، از طرف دیگر روزنامه‌نگار مؤثر هم پرورش پیدا نمی‌کند و به توجیه‌کنندگان خوب تبدیل می‌شوند، بنابراین رسانه خوبی به برند تبدیل نمی‌شود و ما هم به عنوان خبرنگار برند خودمان را خراب می‌کنیم.

درخواست کمک فوتبالیست مسجدسلیمانی برای نجات از چوبه دار

شرق، شهریار کریمی: فوتبالیستی که ۲۳ سال پیش در باشگاه جوانان نفت مسجدسلیمان تمرین می‌کرد، از قهرمانان برجسته ورزشی کشور و محسن چاوشی برای رهایی از چوبه دار درخواست کمک کرد.

این جوان محکوم به قصاص که «بابک» نام دارد، زاده مسجدسلیمان و کودک جنگ است. بابک سال ۱۳۵۴ متولد شد و هنگامی که هنوز بیش از چهار سال از زندگی‌اش نگذشته بود، جنگ تحمیلی و موشک‌باران و بمباران هوایی مسجدسلیمان ازسوی رژیم بعث عراق را از نزدیک دید. بابک در یکی از روزهای جنگ هنگامی‌که به دبستان محل تحصیل خود می‌رفت، براثر بمباران و موشک‌باران ارتش بعث دچار موج‌گرفتگی شد و همین امر باعث شد سال ۱۳۷۸ حوزه نظام وظیفه مسجدسلیمان با نظر کمیسیون‌های پزشکی متعدد، او را به‌خاطر عوارض عصبی ناشی از موج انفجار و طبق بند ۲۰ ماده ۳۲ قانون خدمت وظیفه عمومی از انجام خدمت زیر پرچم معاف کند. اما قصه این نیست که بابک کودک جنگ و بمباران است؛ داستان از آنجا آغاز شد که نوجوانی ۱۸ساله که تازه پایش به تمرینات تیم فوتبال جوانان «نفت مسجدسلیمان» باز شده بود، ناگهان در زمان نامناسب و در جای نامناسب قرار گرفت و به اتهام قتل با اجرای مراسم قسامه به قصاص محکوم شد. به استناد پرونده و گفته‌های بابک، جوان فوتبالیست مسجدسلیمانی، داستان از یکی از شب‌های جام جهانی ۱۹۹۴ آغاز شد.

حوالی ساعت ۲۱:۳۰ پانزدهم خرداد سال ۱۳۷۳ نزاعی دسته‌جمعی میان بابک که دوستش سیامک را همراهی می‌کرد با مقتول و دوستش که قاسم نام داشت، به وقوع پیوست. شب بعد از حادثه بابک ازطریق دوستش سیامک مطلع شد یکی از طرف‌های درگیری به‌دلیل جراحت ناشی از نزاع شب قبل فوت شده است. پس از آن با پیگیری‌های پلیس آگاهی شهرستان مسجدسلیمان، سه نفر دیگر به اتهام شرکت در نزاع دستگیر شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. پس از آن بابک و سیامک به جرم قتل و مشارکت در قتل محاکمه شدند.

سرانجام در پایان دادرسی‌های متعدد در مراسم قسامه‌ای که سال ۱۳۷۴ در شعبه ۱۱ دادگاه عمومی اهواز از طرف اولیای‌دم مقتول اجرا شد، بابک به اجرای حکم قصاص و سیامک نیز به ۱۰ سال حبس محکوم شد. این رأی برای تأیید به شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور مستقر در شهر قم ارجاع داده شد و تأیید و نهایتا رأی تأییدشده به مرحله اجرا رفت. پس از آن مرحوم دکتر دقیقیان، وکیل بابک، با استناد به ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی به رأی صادرشده اعتراض و درخواست اعاده دادرسی کرد. سپس با موافقت دادستان وقت کشور پرونده برای اعاده دادرسی به شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور ارجاع داده شد و اجرای حکم قصاص بابک به‌دلیل مصداق‌نبودن با شرایط قسامه، خلاف شرع اعلام و نقض شد.

پس از نقض حکم پرونده این قتل به شعبه ۱۲ دادگاه عمومی اهواز ارجاع داده شد و در چند جلسه بررسی، بابک از اتهام قتل تبرئه و پس از تحمل چهار سال حبس در خرداد سال ۱۳۷۷ از زندان آزاد شد. این آزادی پایان قصه بابک نبود، بلکه آغاز داستان غمناکی بود که ۲۷ سال از زندگی بابک را دربر گرفت؛ چراکه خانواده داغدار مقتول نتوانستند به‌سادگی از کنار برائت بابک از قتل به‌وقوع‌پیوسته بگذرند. آنها با ملاقات‌هایی که با سیامک داشتند، به این نتیجه رسیدند که بابک قاتل عزیز ازدست‌رفته‌شان

است و درنهایت به سیامک که قبلا به قتل اعتراف کرده بود، رضایت داده و پرونده بابک را مجددا از سال ۱۳۸۱ در شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور که پیش از آن بابک از آن حکم برائت گرفته بود، به جریان انداختند و نهایتا حکم برائتی که در سال ۱۳۷۷ صادر شده بود، نقض شد و احضاریه‌های صادره دادگاه برای حضور بابک در جلسه دادرسی نیز به دستش نرسید؛ چراکه این احضاریه‌ها همگی به دفتر وکیل جدید بابک ارسال شده بود و دفتر وکالت وکیل بابک تغییر مکان داده بود. بابک در این مورد به خبرنگار «شرق» گفت: سال ۸۲ یا ۸۳ وکیل جدید من، دکتر شجاع‌پوریان از ماشین خود پیاده شد تا از دکه مطبوعاتی روزنامه بخرد و ماشین را روشن در کنار خیابان رها کرده بود. ناگهان یک سارق در ماشین او را باز می‌کند و ماشین وکیل مرا دزدید. وکیل من هم برای متوقف‌کردن سارق خود را در مسیر حرکت ماشین دزدیده‌شده‌اش قرار داد و متأسفانه سارق او را زیر گرفت و وکیل من به‌دلیل برخورد با جدول کنار خیابان به حالت کما رفت و تمام مدارک مربوط به من و سایر موکلان به‌همراه ماشین به سرقت رفت. پس از آن به‌دلیل فراموشی ناشی از آن ضربه، وکیل من فراموش کرد پس از جابه‌جایی دفتر وکالت آدرس دفتر جدید را به دادگستری اعلام کند و تمام احضاریه‌های مربوط به من به دفتر سابق ارسال شد و من از آنها بی‌خبر بودم. آخر سر هم حکم غیابی قصاص من صادر و من دوباره از سال ۱۳۹۳ به اتهام قتل بازداشت شدم.

بابک از سال ۱۳۹۳ تاکنون دو بار برای اجرای حکم قصاص پای چوبه دار رفته، اما هر بار با وساطت مسئولان به‌صورت موقت از اجرای حکم قصاص نجات پیدا کرده است. خودش در این خصوص به «شرق» گفت: من تا الان دو بار برای اجرای حکم قصاص به بند ۱۰ منتقل شدم، اما هربار با پادرمیانی، مسئولان زندان و دادستان اهواز از اولیای‌دم فرصت تهیه دیه درخواستی را برای من گرفتند اما مبلغ دیه تأمین نشد. شب‌های اجرای حکم مأموران اجرای حکم تا صبح به‌همراه من به دعا و نیایش توسل کردند و به من آرامش قلب و امید می‌دادند که جای تشکر قلبی دارد.

بابک در ۱۱ سال زندان پدر و مادرش را از دست داد. او با چشمانی اشک‌بار و قلبی محزون گفت: پدر و مادرم از ناتوانی در تهیه مبلغ دیه من طی دو سال به رحمت خدا رفتند و من در ساعات خاموشی زندان عزادار آنها بودم و زیر پتو اشک می‌ریختم، چون خودم را مسبب مرگ آنها می‌دانستم. اگر آن شب جام جهانی با رفیقم همراه نمی‌شدم، این فاجعه‌ها درست نمی‌شد. این جوان فوتبالیست در ادامه صحبت‌های خود گفت: خانواده مقتول از خانواده‌های سرشناس مسجدسلیمان هستند. آنها از بزرگان ایل بختیاری و مردمانی بزرگ هستند، اما متأسفانه در جریان سازش پرونده من آدم‌هایی حرف می‌آورند و می‌برند و هر بار جریان صلح و سازش مرا به شکلی به هم زدند، والا اگر یک بزرگمرد این وسط می‌آمد و با اولیای‌دم صحبت می‌کرد، آنها رضایت می‌دادند. من به آنها حق می‌دهم، چون جوان عزیزشان را از دست داده‌اند. من از آنها درخواست می‌کنم به خاطر خدا و امام رضا(ع) و خادمینش که در راه سازش پیش‌قدم شدند، مرا عفو کنند.

ستار زارعی، یکی از مسئولان زندان، به خبرنگار «شرق» گفت: بابک جوان ورزشکار و آرامی است. در شش سال حضورم در زندان هیچ حرکت زشت و ناپسندی از او مشاهده نشده و در زندان فوتسال بازی می‌کند. این مقام مسئول در ادامه از اولیای‌دم خواست به احترام خادمین امام رضا(ع) و به احترام آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره و ۳۷ سوره مائده از اجرای حکم قصاص بابک خودداری کنند و فرصت سازش بدهند.

«کریم بهداروند»، مدیر حراست و «سروش صالح‌پور»، سرپرست باشگاه فوتبال نفت مسجدسلیمان نیز در تماس با خبرنگار «شرق» درخواست فراخوان عمومی برای تأمین مبلغ دیه کردند. مدیر حراست این باشگاه به «شرق» گفت: بابک در اوایل دهه ۷۰ در تیم جوانان نفت مسجدسلیمان تمرین می‌کرد و اگر این اتفاق برایش نمی‌افتاد، یکی از بازیکنان تأثیرگذار کشور در پست مهاجم می‌شد. او جوانی باادب و شایسته کمک است. بهداروند در ادامه گفت: من فراز کمالوند، سرمربی نفت؛ وحید امیری، کاپیتان تیم ملی و یحیی گل‌محمدی را در جریان این قضیه گذاشته‌ام و قرار است به‌همراه چند چهره سرشناس فوتبالی به پرونده سازش بابک ورود کنند. بابک نیز در پایان صحبت‌های خود درخصوص آرزوهایش گفت: اول اینکه آرزو دارم فرشته نجاتی از راه برسد و مرا نجات دهد. آرزو دارم اگر آزاد شدم به‌عنوان مربی به کودکان مناطق فقیر مسجدسلیمان آموزش دهم که در هر رشته ورزشی که دوست دارند وارد شوند و به آرزوهای ورزشی خود برسند. آرزو داشتم علی آقا کریمی، علی آقا دایی، یحیی گل‌محمدی، وحید امیری، امیر قلعه‌نویی، احمد عابدزاده و محمود فکری را از نزدیک ببینم و به‌خاطر بازی‌های قشنگ‌شان آنها را بغل کنم. اگر هم عمرم به دنیا نبود، کسی پیام ارادت قلبی مرا به آنها برساند.

با توجه به تحقیقات خبرنگار «شرق» و امین دهقانی‌مفردپور، مشاور حقوقی، خانواده مقتول از بزرگان ایل بزرگ و سخاوتمند بختیاری هستند. این خانواده از مصادیق مردی و مردانگی هستند. امید می‌رود با ورود خادمین حرم امام رضا(ع) و بزرگان ورزشی ذکرشده، این خانواده بزرگ ایل بختیاری به احترام کلام مولا علی(ع) این جوان را عفو کنند.

بنا بر این گزارش، با جلب رضایت اولیای‌دم دو متهم به قصاص که هفته قبل با تلاش خبرنگار و روزنامه «شرق» انجام شد، تاکنون پرونده ۶۰ محکوم به قصاص منجر به صلح شده و با دعای خیر هم‌وطنان نیکوکار و یاری آنها، هیچ پرونده بلاتکلیف ارجاع‌شده به روزنامه «شرق» وجود ندارد. امید می‌رود پرونده بابک، شصت‌ویکمین پرونده منجر به صلح باشد.

شوخی مرگ‌بار با پسرخاله

شرق: پسر جوانی که متهم است پسرخاله‌اش را به قتل رسانده، مدعی شد همه‌چیز از یک شوخی شروع شد. او گفت شوخی بیجای پسرخاله‌اش منجر به درگیری خونین شد.

به گزارش خبرنگار ما، عصر دوم آذر سال ۹۵ به مأموران پلیس خبر رسید پسر ۲۴ساله‌ای به نام سیروس در برج ۱۸ طبقه‌ای در تهران کشته شده است. مأموران پلیس به ساختمان مدنظر رفتند و جسد با دستور قضائی به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیق از شاهدان نشان می‌داد سیروس در درگیری با پسرخاله ۲۵ساله‌اش به نام داریوش کشته شده است. مأموران پلیس به ردیابی داریوش پرداختند و چند ساعت بعد او را در ساختمانی نیمه‌ساز بازداشت کردند. پسر جوان به درگیری خونین با پسرخاله‌اش اعتراف کرد و به بازسازی صحنه جرم پرداخت. درحالی‌که پنج سال از این ماجرا گذشته بود، متهم در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه پدر مقتول در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: پسرم و داریوش مانند دو برادر بودند و من نمی‌دانم داریوش با چه انگیزه‌ای پسرم را با ضربه‌های چاقو کشت. من برای او قصاص می‌خواهم. سپس داریوش درحالی‌که اشک می‌ریخت، قتل پسرخاله‌اش را گردن گرفت و ابراز پشیمانی کرد. او گفت: قبول دارم پسرخاله‌ام را کشتم؛ اما من قصد کشتن او را نداشتم و همه چیز از یک شوخی شروع شد. متهم در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من و پسرخاله‌ام دوستان صمیمی بودیم. یک سال قبل از آن ماجرا از چهارمحال‌وبختیاری برای پیداکردن کار به تهران آمدیم و در ساختمانی نیمه‌ساز مشغول به کار شدیم. پسرخاله‌ام در حین کار همیشه با من شوخی می‌کرد. آن روز در حال گچ‌کاری بودیم که او بار دیگر شوخی را شروع کرد؛ اما این‌بار شوخی منجر به دعوا میان ما شد. سیروس شروع به فحاشی کرد و سیلی به صورتم زد. دعوا با میانجیگری کارگران تمام شد و من که از رفتارهای او عصبانی بودم به حمام رفتم. بعد از بازگشت از حمام می‌خواستم ناهار بخورم که او بار دیگر به اتاق آمد و دعوا را از سر گرفت و قلیان را به سمت من پرتاب کرد. همان موقع صاحب‌کارمان ما را از هم جدا کرد و به سیروس گفت بهتر است چند روز به شهرستان برود؛ اما او قبول نمی‌کرد.

او من را تهدید به مرگ کرد و برای سومین‌بار به سمت من حمله‌ور شد. من هم چاقویی را از زمین برداشتم و چند ضربه به او زدم؛ اما واقعا قصد کشتن او را نداشتم. من که ترسیده بودم، پیش یکی از دوستانم رفتم و چند ساعت بعد بازداشت شدم.

متهم ادامه داد: باور کنید من هیچ خصومتی با پسرخاله‌ام نداشتم و او را مانند برادرم می‌دانستم. هنوز هم باور ندارم او به دست من کشته شده است. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

رخداد

کلاهبرداری تلفنی در پوشش جایزه خوش‌حسابی

• رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از انهدام باند بزرگ کلاهبرداری تلفنی به بهانه جایزه خوش‌حسابی خبر داد.

سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی در جمع خبرنگاران گفت: مدتی قبل شماری از شهروندان با مراجعه به پلیس فتا اعلام کردند که فردی ناشناس با معرفی خود به عنوان فردی که از رادیو جوان تماس گرفته به آنان اعلام کرده که برنده جایزه خوش‌حسابی شده‌اند و برای واریز جایزه باید کد ملی و دیگر اطلاعات هویتی و همچنین کدی را که ازطریق پیامک به وی اعلام شده، در اختیار داشته باشد، تا بتواند مبلغ جایزه را برای این افراد واریز کند.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ اضافه کرد: بنا بر گفته مال‌باختگان به محض اعلام کد ارسالی این افراد تماس را قطع کرده و چند ثانیه بعد پیامک برداشت از حساب برایشان ارسال شده و متوجه برداشت از حساب خود شده‌اند. وی با بیان اینکه عمده قربانیان این باند، افراد سالخورده و دارای اطلاعات کم از حوزه پرداخت‌های آنلاین بودند، گفت: با توجه به تعداد شکات، رسیدگی به موضوع به‌طور ویژه در دستور کار مأموران پلیس فتا قرار گرفته و مجوزهای لازم برای شناسایی و دستگیری این افراد نیز از مقام قضائی اخذ شد.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با بیان اینکه مأموران با استفاده از شیوه‌های پلیسی شش عضو این باند را شناسایی و در عملیات‌های جداگانه دستگیر کردند، گفت: این افراد تحت بازجویی قرار گرفتند و مشخص شد که سرکرده آنان فرد دیگری است که همچنان متواری است، ازاین‌رو تحقیقات و اقدامات برای دستگیری این فرد نیز آغاز شد و سرانجام این فرد که تلاش کرده بود با اقدامات پیچیده رد خود را در فضای سایبر از بین ببرد ازسوی مأموران شناسایی و دستگیر شد.

معظمی‌گودرزی با بیان اینکه هر هفت عضو این باند شامل دو زن و پنج مرد تحت بازجویی قرار گرفتند، گفت: این افراد در بازجویی‌های انجام‌شده به جرم خود اعتراف و اقرار کردند که ازطریق تماس تلفنی و دادن وعده برنده‌شدن در جایزه خوش‌حسابی، اقدام به تخلیه حساب آنان کرده‌اند. او با بیان اینکه تاکنون بیش از ۱۰۰ مال‌باخته در این پرونده مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، گفت: درحال‌حاضر تعداد شکات از پرونده در حال افزایش است اما تاکنون بیش از ۳۰ میلیارد ریال از حساب شهروندان خالی کرده‌اند. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اشاره به این پرونده به شهروندان هشدار داد که به هیچ عنوان فریب چنین تماس‌هایی را نخورند؛ چراکه هیچ سازمان و نهاد رسمی ازطریق شماره‌های شخصی یا شبکه‌های اجتماعی با شهروندان تماس نمی‌گیرد و علاوه‌بر آن برای واریز جایزه نیز هیچ نیازی به دریافت کد و... نیست.

جدول ۴۰۹۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- ریه- هفتادوچهارمین سوره قرآن- فرماندار کوفه در عهد امام حسین(ع) ۲- هر یک از آپارتمان‌های یک ساختمان- درهم‌آمیخته- شهری در استان اردبیل ۳- تکیه‌دادن- ملیت ما- ضمیر سوم ۴- سربه‌راه- پنجم- ترانه خواب کودک ۵- پیشکش- کنایه از جاسوس و خبرچین است- نمو ۶- موتور جست‌وجوگر اینترنتی- سبز تیره- گنج ۷- ذخیره- پرتابه ورزشی- مدخل ۸- حرف دهن‌کجی- دل‌انگیز- سرد و خنک- پول ژاپن ۹- صفرا- بعضی- از اقوام ایرانی ۱۰- فام- ضرباهنگ- نوعی موشک زیرآبی ۱۱- چغندر پخته- سفید انگلیسی- مشهور ۱۲- تخیل- کره آتش بالای جو زمین- چاه جهنم ۱۳- صاحب- از بحور شعر فارسی- غیر مجاز ۱۴- نخستین مرد شهید اسلام- غم و غصه- کفش پاشنه‌دار قدیمی ۱۵- ملون- دیگ دهان‌گشاد- نت چهارم

عمودی:

۱- خرقه درویشی- رمانی پرفروش نوشته آنا گاوالدای فرانسوی ۲- حس بویایی- رئیس وزارتخانه- شالوده ۳- مکار- سلام و تحیت- در خانه صاحبش شیر است ۴- یاری و کمک- رساله مشهور خواجه عبدالله انصاری- فرماندهان ۵-از جنس الیاف پنبه- غذایی ایرانی و خوشمزه ۶-حرف عطف عربی- صاحب ذوق- استواری و استحکام ۷- سنگ مرمر- سرقت در اماکن شلوغ- درجه خلوص فلزات ۸- مدرک کارشناسی- یکی از دو حالت تنظیم‌نبودن دلکو اتومبیل ۹- زادگاه حضرت ابراهیم(ع)- سعادتمند- پابرجابودن ۱۰- بی‌کارگی- مصونیت از خطر- ضمیر مؤنث عربی ۱۱- نمک‌نشناس- باغ دیدنی شیراز ۱۲- برجستگی سفت روی انگشتان- وسیله بالارفتن- لوازم منزل ۱۳- زمین آذری- بر جوانان عیب نیست- بازیکنی که در باشگاهی غیر از باشگاه‌های کشورش بازی می‌کند ۱۴- آماده‌کردن- قهرمان رمان سووشون ۱۵- کارگردان آمریکایی فیلم باشگاه مشت‌زنی- نامی دخترانه

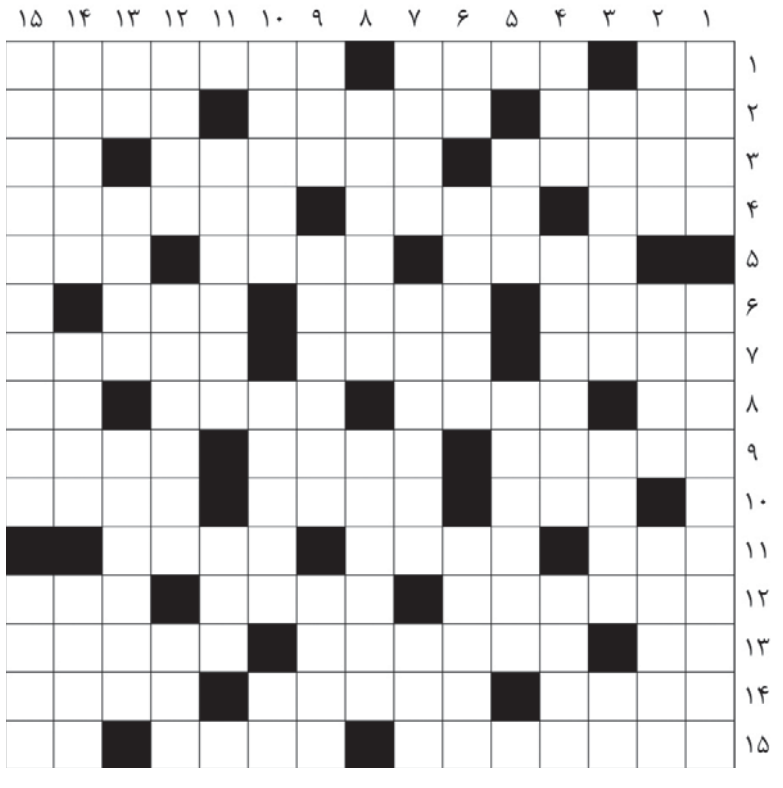

حل سودوکو سخت

۱	۹	۷	۳	۸	۴	۵	۲	۶
۶	۵	۸	۱	۷	۲	۳	۴	۹
۳	۴	۲	۶	۵	۹	۱	۸	۷
۲	۶	۱	۵	۳	۷	۴	۹	۸
۴	۷	۳	۲	۹	۸	۶	۱	۵
۹	۸	۵	۴	۱	۶	۲	۷	۳
۵	۲	۹	۸	۴	۳	۷	۶	۱
۷	۳	۶	۹	۲	۱	۸	۵	۴
۸	۱	۴	۷	۶	۵	۹	۳	۲

حل سودوکو ۳۰۸۶

۹	۲	۵	۶	۳	۴	۷	۱	۸
۸	۶	۴	۵	۱	۷	۹	۲	۳
۷	۳	۱	۹	۲	۸	۶	۵	۴
۳	۱	۲	۴	۷	۵	۸	۹	۶
۴	۹	۶	۱	۸	۲	۵	۳	۷
۵	۸	۷	۳	۶	۹	۱	۴	۲
۲	۴	۹	۸	۵	۶	۳	۷	۱
۱	۵	۸	۷	۴	۳	۲	۶	۹
۶	۷	۳	۲	۹	۱	۴	۸	۵

جدول ۴۰۹۰

سودوکو سخت ۳۰۸۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۴		۵					
۲	۹			۷	۸			
۷					۲	۴	۹	
		۳		۶				
۸		۲		۴		۶		۹
				۱		۸		
	۳	۷	۹					۸
			۳	۸			۴	۵
					۴		۷	

سودوکو ساده ۳۰۸۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۳	۱			۸		۶	۴
۲				۶	۹			۷
۶		۸	۷					۲
۴		۵	۶					
۱	۸						۲	۶
					۲	۴		۵
۳					۵	۶		۹
۵			۹	۳				۱
۸	۷		۱			۵	۴	